

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ولایت فقیه

و مسئله توزیع قدرت و اختیارات

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

عبدالمجید مبلغی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

ولایت فقیه و مسئله توزیع قدرت و اختیارات در

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

عبدالمجید مبلغی

ناشر

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

تهیه

پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی

سرپرستار

محمدباقر انصاری

نمایه‌ساز

سیدنتقی واردی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی

چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب

چاپ اول: پاییز ۱۴۰۳

شمارگان: ۳۰۰

مرجع بهای کتاب: وبگاه رسمی نشر پژوهشگاه

علوم و فرهنگ اسلامی

عنوان: ۸۷۴؛ مسلسل: ۱۳۱۲

نشانی

قم، خیابان معلم، ساختمان ستاد دفتر تبلیغات اسلامی،

نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

تلفن و دورنگار: ۳۱۱۵۱۱۶۲-۰۲۵

ص.پ: ۳۷۱۸۵/۳۶۸۸

کدپستی: ۳۷۱۵۶۱۶۵۹۱

مراکز پخش

۱. قم، میدان شهدا، تلفن و دورنگار ۳۱۱۵۱۲۵۰-۰۲۵

۲. تهران، خیابان انقلاب، روبروی در دانشگاه تهران،

پاساژ فروزنده، طبقه همکف، واحد ۳۱۲، تلفن:

۰۲۱-۶۶۹۵۱۵۳۴

وبگاه: www.pub.isca.ac.ir

رایانامه: nashr@isca.ac.ir

فروشگاه مجازی نشر: www.shop.isca.ac.ir

فروشگاه نشر دیجیتالی: www.pajooahaan.ir

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

مبلغی، عبدالمجید، ۱۳۵۸-

سرشناسه:

ایران. قوانین و احکام

عنوان قراردادی:

ولایت فقیه و مسئله توزیع قدرت و اختیارات در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران/

عنوان و نام پدیدآور:

عبدالمجید مبلغی؛ تهیه پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی

قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۳.

مشخصات نشر:

ص. ۳۴۴

مشخصات ظاهری:

978-600-195-949-3

شابک:

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه.

یادداشت: نمایه.

موضوع: ولایت فقیه -- ایران

موضوع: ولایت فقیه -- جنبه‌های حقوقی

موضوع: ولایت فقیه -- جنبه‌های سیاسی

قانون اساسی -- ایران

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی

رده‌بندی کنگره: BP ۲۲۳/۸

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۴۵

شماره کتابشناسی ملی: ۹۷۵۴۲۴۵

فهرست مطالب

سخنی با خواننده.....	۱۱
مقدمه.....	۱۳
۱. حوزه پژوهش.....	۱۳
۲. چارچوب پژوهش.....	۱۸
۳. سازمان پژوهش.....	۱۸

فصل اول: قابلیت امر شرعی برای انتقال از سنت به قانون و توزیع قدرت سیاسی.... ۲۱

فصل دوم: فقه سیاسی مشروطه مبنای رویکرد به حکومت مبتنی بر قانون و توزیع

قدرت سیاسی..... ۳۷

بخش نخست: تبار اجتماعی فقه سیاسی نائینی..... ۳۹

پاره نخست: شکل‌گیری نظام روحانیت شیعه؛ زمینه‌ساز تولد فقه سیاسی معاصر. ۴۰

۱. نظام تولید اقتدار و حوزه نفوذ در عرصه عمومی..... ۴۳

۲. نظام جذب و تخصیص منابع مالی و امور معیشتی..... ۴۴

پاره دوم: تولد فقه سیاسی در مشروطه ذیل اقتدار روحانیت نظام‌یافته..... ۴۴

بخش دوم: تبار معرفت‌شناختی فقه سیاسی نائینی ۵۸

پاره نخست: جریان احیای اصول فقه ۶۱

پاره دوم: سرریز ارتکازات عصری در فهم فقهی ۶۲

بخش سوم: پروژه فکری نائینی و حقوق‌گرایی نظام‌مند ۶۶

پاره نخست: توضیح گفتمان حقوق‌گرا در فقه سیاسی نائینی ۶۶

پاره دوم: گروهی از ملاحظات روش‌شناختی ناظر بر رویکرد به قانون در اندیشه

فقهی نائینی ۸۳

نخست: ارتکازات و تأملات عصری آبشخور اندیشه نائینی در رویکرد به

فقه حق/تکلیف‌گرا ۸۵

دوم: سنخ‌شناسی کتاب تنبیه الامة میان جهان قدیم و جدید ۹۰

سوم: منابع اندیشه نائینی: عقلایی/عقلانی و نقلی ۹۵

بخش چهارم: فقه سیاسی نائینی و مسئله کنترل قدرت ۹۶

پاره نخست: حضور مسئولانه فقه در عرصه عمومی، قانون و کنترل قدرت ۹۷

پاره دوم: حقوق‌گرایی در اندیشه نائینی: طرح مفهوم «مشارکت» یا «حق حق‌ها» ... ۱۰۴

فصل سوم: نظریه ولایت فقیه و مسئله توزیع قدرت سیاسی ۱۱۱

بخش نخست: زمینه‌های کلامی و تاریخی نظریه ولایت فقیه ۱۱۲

بخش دوم: زمینه‌های اجتماعی شکل‌گیری حکومت اسلامی ۱۱۸

پاره نخست: سه گرایش اصلی در دوران پهلوی دوم ۱۲۰

پاره دوم: اثرپذیری حکومت اسلامی و نظریه ولایت فقیه از گرایش‌های سه‌گانه ۱۲۹

بخش سوم: نظریه ولایت فقیه از منظر امام خمینی علیه السلام و تبارهای مؤثر در

شکل‌گیری آن ۱۳۳

فصل چهارم: قانون اساسی و دامنه اقتدار قانونی و توزیع قدرت رهبری..... ۱۴۱

بخش اول: دامنه وظایف و اختیارات رهبری بر اساس قانون اساسی..... ۱۴۲

پاره اول: اصل یکصد و دهم قانون اساسی..... ۱۴۳

بند نخست: تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از

مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام..... ۱۴۴

بند دوم: نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام..... ۱۴۶

بند سوم: فرمان همه‌پرسی..... ۱۴۹

بند چهارم: فرماندهی کل نیروهای مسلح..... ۱۵۰

بند پنجم: اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها..... ۱۵۱

بند ششم: نصب، عزل و قبول استعفا: الف) فقهای شورای نگهبان..... ۱۵۲

بند هفتم و بند هشتم: حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه و حل معضلات

نظام که از طرق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت

نظام..... ۱۵۳

بند نهم: امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم..... ۱۵۴

بند دهم: عزل رئیس‌جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور... ۱۵۴

بند یازدهم: عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی

پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه..... ۱۵۵

پاره دوم: اصل یکصد و هفتاد و هفتم قانون اساسی..... ۱۵۶

پاره سوم: اصل یکصد و هفتاد و هشتم..... ۱۵۹

پاره چهارم: اصل یکصد و پنجاه و هفتم..... ۱۶۲

پاره پنجم: اصل یکصد و سی و یکم..... ۱۶۳

پاره ششم: اصل یکصد و سیزدهم..... ۱۶۴

پاره هفتم: اصل یکصد و دوازدهم ۱۶۶

پاره هشتم: اصل یکصد و هفتم ۱۶۷

پاره نهم: اصل نود و یکم ۱۶۹

پاره دهم: اصل شصتم ۱۷۱

پاره یازدهم: اصل پنجاه و هفتم ۱۷۲

پاره دوازدهم: اصل پنجم ۱۷۲

پاره سیزدهم: اصل یکصد و نهم ۱۷۴

پاره چهاردهم: اصل دوم ۱۷۵

پاره پانزدهم: اصل یکصد و یازدهم ۱۷۷

پاره شانزدهم: اصل چهل و دوم ۱۷۸

پاره هفدهم: اصل یکصد و هفتاد و پنجم ۱۷۹

پاره هجدهم: اصل هشتاد و نهم ۱۸۰

بخش دوم: بررسی جایگاه رهبری در قانون اساسی بر اساس دامنه وظایف و حوزه

اختیارات ۱۸۳

پاره اول: ماهیت اقتدار حقوقی ولی فقیه ۱۸۳

یکم: رابطه حاکمیت قانونی و اقتدار حقوقی ولی فقیه در سطح ملی ۱۸۶

دوم: رابطه حاکمیت قانونی و اقتدار حقوقی ولی فقیه در سطح بین‌المللی ۱۸۸

سوم: مسئولیت ولی فقیه در قبال قانون اساسی ۱۸۹

چهارم: موقعیت حقوقی و شخصی ولی فقیه ۱۹۰

پنجم: مقایسه اقتدار قانونی ولی فقیه با دیگر نظام‌های حقوق اساسی ۱۹۳

ششم: ماهیت خدایی و مردمی اقتدار ولی فقیه در قانون اساسی ۱۹۴

پاره دوم: سطوح اقتدار حقوقی - سیاسی ولی فقیه ۱۹۴

یکم: اقتدار سیاستگذاری..... ۱۹۵

دوم: اقتدار نظارتی..... ۱۹۷

سوم: اقتدار انتصابی..... ۲۰۴

چهارم: اقتدار مشروعیتی..... ۲۰۶

پنجم: اقتدار اجرایی..... ۲۰۷

ششم: اقتدار نظامی..... ۲۰۸

فصل پنجم: قانون اساسی و کنترل قدرت رهبری..... ۲۰۹

بخش اول: دشواری و پیچیدگی قانون اساسی جمهوری اسلامی و نسبت آن با

تحدید قدرت..... ۲۱۱

پاره نخست: معنای پیچیده بودن قانون اساسی در ایران..... ۲۱۱

پاره دوم: نظریه فقهی مؤثر در تدوین قانون اساسی..... ۲۱۴

پاره سوم: ساختار دوکانونه الهی - مردمی قانون اساسی و تحدید قدرت..... ۲۲۴

پاره چهارم: مشروعیت و مقبولیت در قانون اساسی و تحدید قدرت..... ۲۲۹

پاره پنجم: اثرپذیری از منابع مختلف..... ۲۳۲

پاره ششم: اعتبار ولایت فقیه بر اساس قانون اساسی یا اعتبار قانون اساسی بر

اساس ولایت فقیه..... ۲۳۵

اصول اعتقادی قانون اساسی..... ۲۳۹

اصول عرفی قانون اساسی..... ۲۳۹

اصول فقهی قانون اساسی..... ۲۴۲

پاره هفتم: شورای نگهبان و توزیع قدرت رهبری در قانون اساسی..... ۲۴۹

بخش دوم: مکانیزم های کنترل بر قدرت رهبری مطابق قانون اساسی..... ۲۵۳

پاره اول: حکومت قانون و تحدید قدرت رهبری..... ۲۵۹

پاره دوم: حاکمیت مردم و تحدید قدرت رهبری..... ۲۶۲

پاره سوم: نظارت نهادی و تحدید قدرت رهبری..... ۲۷۰

پاره چهارم: نظارت عمومی و تحدید قدرت رهبری..... ۲۸۳

پاره پنجم: نظارت درونی و تحدید قدرت رهبری..... ۲۸۷

کتابنامه..... ۲۹۳

نمایه‌ها

آیات..... ۲۹۹

روایات..... ۳۰۰

موضوعات..... ۳۰۱

اعلام و مشاهیر..... ۳۳۴

کتاب‌ها..... ۳۳۸

مکان‌ها..... ۳۴۰

تئالگان..... ۳۴۱

سخنی با خواننده

پژوهش در حوزه اندیشه سیاسی از منظر دینی به منظور شناخت مبانی، سرشت و ساختار آن در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی ضرورتی انکارناپذیر یافته است. ژرف‌نگری در مبانی دینی مشتمل بر عقل و آموزه‌های وحیانی و عرف جامعه اسلامی - ایرانی شرطی اساسی در پویایی پژوهش‌ها برای دستیابی به الگوی مطلوب حکومت اسلامی در دوره جدید است؛ از این‌رو شناخت، بازخوانی، بازنگری و بومی‌سازی مسائل علم و اندیشه سیاسی جایگاه ویژه‌ای در این پژوهش‌ها دارند.

بی‌تردید قصد اولیه انقلاب اسلامی هدفمندی و ارتقای کیفیت زندگی مؤمنان بر اساس نص اسلامی بود. لازمه تحقق این هدف تربیت اندیشمندان فراوان و انجام تحقیقات به‌روز، کارآمد و معتبر علمی بود که در این زمینه با راهنمایی استادان و همکاری طلاب فارغ‌التحصیل علوم سیاسی زمینه شکل‌گیری پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی در سال ۱۳۷۳ فراهم شد. تجربه نو و موفق این پژوهشگران در معرفی بخشی از میراث سیاسی عالمان شیعی و تألیف آثاری مستقل درباره مسائل نوپیدای سیاسی زمینه را برای گسترش فعالیت‌های این مرکز و ارتقای آن به پژوهشکده‌ای مستقل مهیا کرد. این پژوهشکده به منظور ایفای رسالت خود تولیدات پژوهشی فراوانی را به جامعه علمی ارائه کرده است؛ از آن جمله می‌توان به تألیف، تصنیف و ترجمه ده‌ها کتاب در حوزه اندیشه سیاسی اسلام اشاره کرد. چشم‌انداز آینده این پژوهشکده تبدیل شدن به

مرجع علمی در اندیشه سیاسی - دینی است تا بتواند با گردآوری مهم‌ترین تلاش‌ها و اندیشه‌ها به بسیاری از علاقه‌مندان این حوزه خدمات علمی مؤثری ارائه کند.

کتاب حاضر با هدف بررسی توزیع قدرت و اختیارات ولی فقیه در قانون اساسی ج.ا. به رشته تحریر درآمده است. جهت تحصیل هدفی از این دست علاوه بر مطالعه تبارهای فکری و اندیشه‌ای سازنده نظریه ولایت فقیه به ساختار حقوقی اساسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده است و تلاش گردیده است جایگاه ولی فقیه در این نظام حقوقی با توجه به مقوله توزیع قدرت توضیح داده و مشخص شود. این اثر به‌ویژه با توجه به دانشجویان عزیز و طلاب محترم علوم دینی تهیه شده است. امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی و حوزوی، دیگر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند.

پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم دکتر عبدالمجید مبلغی، ناظر ارجمند حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سیدجواد ورعی، ارزیابان محترم دکتر عبدالوهاب فراتی و دکتر سیدمحمدعلی حسینی‌زاده، مدیر محترم گروه دکتر رضا عیسی‌نیا و مدیر محترم دفتر امور پژوهشی دکتر محمود فلاح و تمام دست‌اندرکاران نشر تشکر و قدردانی کند؛ همچنین از ریاست محترم پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر نجف لک‌زایی که مساعدت‌های مؤثر ایشان نقشی اساسی در به‌سرانجام‌رسیدن پژوهش حاضر داشت، تشکر کند. در پایان از اداره نشر پژوهشگاه به جهت آماده‌سازی و چاپ آن تشکر و قدردانی می‌شود.

این پژوهشکده در جهت حیات و بالندگی خود از انتقادات و پیشنهادهای علمی استادان، صاحب‌نظران و پژوهشگران محترم استقبال می‌کند. امید است این فعالیت‌ها موجبات رشد و پویایی اندیشه سیاسی اسلام را فراهم سازد.

دکتر منصور میراحمدی

مدیر پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی

مقدمه

مقدمه کتاب شامل چند نکته مقدماتی است؛ نکاتی که چشم‌انداز کلی مباحث، مفاهیم مرکزی و اساسی پژوهش، منطق مطالعه و بررسی در پژوهش و نهایتاً ساختار پژوهش را مشخص می‌کند. بر این اساس مباحث مقدمه در بخش‌های حوزه پژوهش، چارچوب پژوهش و سازمان پژوهش ارائه می‌شود:

۱. حوزه پژوهش

این پژوهش به توزیع قدرت بر اساس نظریه ولایت فقیه و قانون اساسی جمهوری اسلامی اختصاص دارد. جهت تعیین دقیق‌تر حوزه پژوهش لازم است دو مفهوم مرکزی آن را مشخص کنیم: توزیع قدرت و نظریه ولایت فقیه.

الف) توزیع قدرت: توزیع قدرت از سرفصل‌های مهم و مرکزی در مطالعات اندیشه سیاسی در زمانه حاضر است. اهمیت این مسئله تا آنجاست که به باور اندیشمندان علم سیاست، مطالعه پدیده‌ها و نهادهای سیاسی فارغ از تأمل در مکانیزم‌های تخصیص، توزیع و تبدیل قدرت در آنها ممکن نیست و پژوهش در باب اندیشه‌ها و نهادهای سیاسی بی‌توجه به نسبت آنها با فیزیک قدرت که عمده‌تاً از دهلیز مطالعه نحوه توزیع آن قابل فهم است، راه به شناسایی سرشت سیاسی آن نظریه‌ها و نهادها و تحصیل درکی از چندوچون بروز و ظهورشان در عرصه

سیاست و حوزه عمومی نمی‌برد. از منظر دانش سیاست، توزیع مؤثر و معنادار قدرت هنگامی میسر می‌شود که ما به تفکیک ساختاری نقش‌ها و اختیارات قوای حایز قدرت که از آن ذیل اصطلاح «تفکیک قوا» یاد می‌شود، دست زنیم. تفکیک قوا که به معنای تفکیک قدرت بخش‌های مرکزی نظام سیاسی است، فارغ از تعریف حوزه‌های تفکیک مسئولیت هر یک یا توزیع مسئولیت معنا نمی‌یابد. به لحاظ نظری، این دو (تفکیک قوا و توزیع مسئولیت) در کنار یکدیگر طرح می‌شوند و با یکدیگر معنا می‌یابند. با این حال تفکیک و توزیع گاه به دلیل انحراف از قانون اجرا نمی‌شود و گاه به دلیل ناکارآمدی قانون یا ساختار نمی‌تواند اجرا شود. در عین حال اجرای کامل تفکیک قوا اصولاً ممکن نیست؛ چه قوای مختلف سطوحی از کارویژه‌های جانبی همدیگر را استیفا می‌کنند. به رغم مباحثی از این دست در نظام‌های مبتنی بر تفکیک قوا می‌توان ردی کمابیش مؤثر از تفکیک و توزیع قدرت را یافت و نشان داد.

نکته مقدماتی مهم دیگر درباره توزیع قدرت آنکه این ایده نه تنها بر اصل تفکیک قوا (و متأثر از آن توزیع اختیارات و مسئولیت)، بلکه متعاقب آن بر اصل «نظارت و بازبینی» (check and balance) نیز متکی است. این اصطلاح به مجموعه‌ای از مکانیزم‌های تنظیم‌کننده و توازن‌بخش در حوزه سیاست اشاره می‌کند که فرایندهای تخصیص قدرت را در عرصه‌های عمومی تحت تأثیر قرار می‌دهد. طرح اصل نظارت و بازبینی در کنار توزیع قدرت به آن معناست که رویه‌های معطوف به تخصیص قدرت هنگامی به توزیع مناسب قدرت می‌انجامد که قادر به استیفای کارویژه نظارت ارکان قدرت بر یکدیگر و تنظیم پیوسته روابط ایشان بر پایه این نظارت باشد.

باید توجه کنیم ایده ضرورت نظارت و بازبینی پیوسته قدرت بر این درک

انسان‌شناختی مبتنی است که میل به قدرت معمولاً سیری ناپذیر است؛ بدین معنا که دارندگان قدرت به صورت طبیعی می‌کوشند بر قدرت خود بیفزایند؛ فرایندی که میل به فساد را در خود می‌پرورد و قدرت را اساساً مستعد انحراف و عمیقاً فسادپذیر می‌سازد؛ از این روی از جمله مهم‌ترین کارویژه‌های مورد انتظار از توزیع قدرت صحیح تمهید مجموعه‌ای از رویه‌ها و مکانیزم‌هاست که به دلیل حضور و عملکرد آنها، برخورداران از قدرت به صورت پیوسته همدیگر را نظارت و پایش متقابل کنند و بر پایه این پایش تداوم‌یابنده مرتباً توازن در تسهیم قدرت میان آنها - که از آن ذیل عنوان بالانس قدرت یاد می‌شود - برقرار گردد.

نتیجه آنکه توزیع قدرت به آرایش ویژه‌ای از مناسبات اجتماعی میان نهادها و بازیگران عرصه اجتماع در سطوح مختلف اشاره می‌کند که نه تنها محدودیت‌ها و قابلیت‌های ایشان را در تعقیب اهداف خود تعیین می‌بخشد، بلکه به ارتباطات ایشان شکل‌بندی ساختاری ویژه‌ای می‌دهد. این اشکال ساختاری بر نحوه عملکرد نهادها و افراد در ارتباط با یکدیگر و نیز انتظاراتشان از همدیگر تأثیر می‌گذارد و به ساخت‌های اجتماعی ویژه‌ای تعیین می‌بخشد. به این ترتیب توزیع قدرت علاوه بر ساختارهای شناخته‌شده تخصیص رسمی قدرت به گروهی از مناسبات نیز اشاره می‌کند که صورت‌بندی‌های کمتر مشاهده‌پذیر و عمدتاً غیررسمی اعمال قدرت را پوشش می‌دهد.

ب) ولایت فقیه: نظریه ولایت فقیه مراتب مهمی از ولایت سیاسی و فقهی را در حوزه عمومی برای فقیهان در عصر غیبت ثابت و ضروری می‌داند. ولایت فقیه در اندیشه فقهی امام خمینی علیه السلام بر پایه اصول زیر بنا شده است: ادعای بدهات عقلی نیاز به حکومت در راه عملی‌سازی اسلام و اولویت منطقی امر اجتماعی بر امر فردی جهت تحقق بخشیدن به احکام فردی و اجتماعی اسلام؛ مسئله

«ضرورت عهده‌داری امر سیاسی» توسط امام معصوم علیه السلام و نیابت از ایشان در عصر غیبت توسط فقیه حایز و واجد شرایط.

طی این کتاب به نسبت ولایت فقیه و توزیع قدرت می‌پردازیم؛ هدفی که بدون تحصیل درکی دقیق از دامنه و ماهیت گفتمان فقه سیاسی شیعه و نظریه ولایت فقیه محقق نمی‌شود. جهت انجام این مهم به تبارهای فکری و اندیشه‌ای سازنده نظریه ولایت فقیه توجه می‌کنیم و می‌کوشیم درکی از چندوچون حضور فقیهان در عرصه عمومی و امر سیاسی بر اساس تحولات و تطورات در فقه معاصر شیعه حاصل کنیم. بحثی از این دست مشخصاً با مراجعه به فقه سیاسی مشروطه که به یک معنا آغازگر حضور فقه در عرصه عمومی و سیاسی است، به فرجام می‌رسد. این مطالعه تمهیدگر درکی خواهد بود تاریخی و هویتی که به‌جد به کار بحث از محتوا و درون‌مایه نظریه ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی خواهد آمد؛ همچنین در توضیح ارتباط ولایت فقیه و مقوله کنترل و توزیع قدرت ضروری است علاوه بر بنیاد فقهی آن به اثرپذیری ولایت فقیه در نگاه امام خمینی (به مثابه ایده معاصر در فقه سیاسی شیعه) به ایده‌ها و اندیشه‌های ناشی از زمینه و زمانه عرضه آن نیز بپردازیم. درنهایت همچنان‌که عنوان این پژوهش نیز پیشنهاد می‌دهد، مطالعه نسبت ولایت فقیه و توزیع قدرت نمی‌تواند فارغ از تأمل در ضوابط و نحوه بروز و ظهور ولایت فقیه در جهان بیرون و واقعیت‌های عینی به فرجام رسد. چنین رویکردی توجه به قانون اساسی جمهوری اسلامی را اولویت می‌بخشد؛ چرا که چندوچون این حضور در عرصه عمومی مطابق با این قانون ساختار یافته است. امید است مطالعه ولایت فقیه از منظر نحوه توزیع قدرت و بررسی نسبت این نظریه با امر قانونی - فراتر از توضیح آرایش مفاهیم در متن قانون اساسی و روابط برقرار میان اجزای آن - راه به درکی از مکانیزم عمل و چندوچون بروز

و ظهور عینی اندیشه ولایت فقیه در حوزه روابط سیاسی و مناسبات معتبر ببرد که فهم ما را از نهاد ولایت فقیه و سازوکارهای ناشی از حضور آن - هم به لحاظ تئوریک و درون مایه‌های نظریه ولایت فقیه و هم در ارتباط با امر انضمامی و جهان بیرونی - بسط دهد. با توجه به توضیحی که از دامنه مطالعه در کتاب پیش رو ارائه شد، می‌توان اهداف زیر را برای این پژوهش در حوزه مطالعه فقه سیاسی معرفی کرد: یکم، توضیح تبارشناسانه جواز حکومت در عهد غیبت و تشکیل حکومت با همکاری فقیهان ذیل مراجعه به فقه سیاسی مشروطه و اندیشه‌های تئورسین اصلی آن علامه نائینی و بررسی مقوله توزیع قدرت در ارتباط با این گروه از تئوری‌ها؛ دوم، توضیح نظریه ولایت فقیه جهت تحصیل فهمی مشخصاً سیاست‌پژوهانه از نحوه تخصیص و شیوه توزیع قدرت بر اساس این نظریه ضمن مطالعه همزمان بسترهای فقهی و اجتماعی مؤثر در طرح و بسط آن؛ سوم، توضیح نحوه توزیع قدرت در اندیشه ولایت فقیه ضمن مراجعه به قانون اساسی ج. ا. ایران و شناسایی دامنه، سطوح و معانی اختیارات ولایت فقیه به لحاظ تئوریک و مطابق قانون اساسی ج. ا. ایران به‌ویژه با توجه به تأملات ناشی از دیسپلین مطالعاتی حقوق اساسی.

همین جا و از باب تمهید مقدمه‌ای بر مباحثی که خواهد آمد، لازم است مشخص کنیم به باور این نوشتار منطق حاکم بر محدودیت و کنترل قدرت مرتبط با ولایت فقیه با دیگر نهادهای سیاسی صاحب قدرت تفاوتی ماهوی و ذاتی ندارد و معنای کنترل قدرت و نیز مکانیزم‌های مؤثر در تحقق آن برای همه نهادهای صاحب قدرت اعم از ولایت فقیه و دیگر ارکان قدرت بر اساس منطق کمابیش مشترک و مشابهی جامه تحقق به تن می‌پوشد و عملیاتی می‌شود، هرچند نحوه تشخیص، فرایند عملی‌سازی، دامنه اعمال و مکانیزم تحقق این کنترل می‌تواند با نهادهای عرفی سیاسی تفاوت‌هایی داشته باشد.

۲. چارچوب پژوهش

این پژوهش بر اساس دو دیسپلین نظری «نظریه سیاسی» و «حقوق اساسی» به مبحث توزیع قدرت در فقه معاصر شیعه، نظریه ولایت فقیه و قانون اساسی می‌پردازد. بر این اساس در یک سطح تلاش خواهد شد با مراجعه به فقه سیاسی شیعه - به مثابه چارچوب تئوریک حاکم بر نحوه تولد و بروز و ظهور ولایت فقیه - درکی از چندوچون توزیع و تخصیص قدرت در این عرصه حاصل آید؛ درکی که همچنان مشخص است، نمی‌تواند فارغ از تأمل جانمایه‌دار در تبارها و زمینه‌های توزیع قدرت در فقه سیاسی شیعه تحقق یابد. پس از تلاشی از این دست، کوشش تحقیق آن خواهد بود که در سطح دوم و متأثر از نتایج فاز نخست پژوهش، ذیل دیسپلین حقوق اساسی چندوچون توزیع قدرت در قانون اساسی ج. ا. ایران در ارتباط با ولایت فقیه مطالعه شود و ابعاد این مهم در دل اصول قانون اساسی مشخص شود؛ به زبان دیگر هدف این تحقیق آن است که توزیع قدرت در ولایت فقیه را ابتدا به لحاظ تئوری سیاسی که وجهی نظری دارد، موضوع تأمل قرار دهد و سپس بر پایه درک حاصل از مطالعه‌ای این گونه به این مبحث در قالب قانون اساسی به شیوه‌ای انضمامی و ذیل تأملات حقوق اساسی ورود کند و نهاد ولایت فقیه را در قانون اساسی از منظر توزیع قدرت موضوع پژوهش قرار دهد.

۳. سازمان پژوهش

این پژوهش علاوه بر این مقدمه شامل پنج فصل است:

فصل نخست که بیانگر تأملی نظری برای مباحث دیگر پژوهش است، به مبحث مهم نسبت قانون و شرع می‌پردازد. در این فصل تلاش می‌شود منطق تحول و مکانیزم تغییر اجتماع از سنت‌گرایی به قانون‌گرایی بر اساس کارکردهای

شریعت مشخص شود. بحثی از این دست بسی مهم است؛ چه مباحث آن بخشی از آگاهی و چارچوب تئوریکی را پیشنهاد می‌دهد که بر اساس آن می‌توان درکی از نسبت قانون و توزیع قدرت در نظریه ولایت فقیه حاصل کرد و توضیحی از مبانی اندیشه‌ای منجر به تأسیس حکومت قانون در ایران معاصر به دست داد.

فصل دوم کتاب به تبار تاریخی توزیع قدرت در فقه سیاسی مشروطه شیعه می‌پردازد. نظریه ولایت فقیه در ادامه تحولی پدیدار شد که با مشروطه آغاز شده بود. این تحول حضور فقه در عرصه عمومی و حوزه تخصیص منابع کمیاب قدرت را ممکن ساخته بود. به این ترتیب بدون فهم منطق حاکم بر این تحول و نحوه بروز و ظهور آن نمی‌توان درک معتبری از توزیع قدرت در نظریه ولایت فقیه حاصل کرد. این فصل به چند و چون تحقق این تحول که از آن ذیل عنوان تأسیس فقه سیاسی شیعه یاد شده است، می‌پردازد.

فصل سوم کتاب به توزیع قدرت و ولایت فقیه اختصاص دارد. توضیح معنا و مفهوم نظریه ولایت فقیه از منظر امام خمینی و بررسی چند و چون توزیع قدرت بر اساس آن مباحث اصلی این فصل است. تلاش فصل به دست دادن درکی معتبر از امکانات و محدودیت‌های برون نظریه‌ای و درون نظریه‌ای ولایت فقیه در ارتباط با توزیع قدرت است.

فصول چهارم و پنجم کتاب عمدتاً از منظر دیسپلین نظری حقوق اساسی به مبحث توزیع و تحدید قدرت نهاد ولایت فقیه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. فصل چهارم می‌کوشد این مهم را بر اساس تقریر دامنه و شناسایی سطوح قدرت ولی فقیه مطابق با اصول قانون اساسی توضیح دهد. فصل پنجم نیز مکانیزم‌های کنترل قدرت را در این باره در قانون اساسی به بحث می‌نهد. در این دو فصل که مفصل‌ترین فصول پژوهش را تشکیل می‌دهند، هم به مباحث ساختاری

مرتبط با توزیع قدرت در قانون اساسی و رویه‌های مصرح قانونی معطوف به دامنه قدرت پرداخته می‌شود و هم به مباحث کارکردی و موقعیت‌های مؤثر در کنترل قدرت مطابق با اقتدار نهاده شده برای بخش‌های مختلف حکومت بر اساس قانون اشاره می‌گردد.

بخش نخست فصل چهارم به بررسی دامنه قدرت رهبری و نحوه توزیع قدرت در ارتباط با این برترین مقام در حقوق اساسی جمهوری اسلامی اختصاص می‌یابد. بخش دوم این فصل به تحلیل دامنه توزیع قدرت رهبری در قانون اساسی و تشریح سطوح مختلف آن متمرکز می‌شود. مباحث این دو بخش از فصل چهارم درکی از نحوه توزیع قدرت رهبری بر اساس قانون اساسی به دست می‌دهد و راه را بر شناخت دامنه‌ها و حوزه‌های وظایف و اختیارات رهبری از منظر مطالعات قدرت می‌گشاید.

در بخش نخست فصل پنجم نیز به پیچیدگی‌های مطالعه و فهم چندوچون کنترل قدرت در ارتباط با نهاد حقوقی رهبری در قانون اساسی توجه می‌شود. در بخش دوم این فصل نیز به تحدید قدرت رهبری در قانون اساسی بر اساس توضیحی که از وظایف و اختیارات وی در فصل چهارم خواهد آمد، از یک سوی و مکانیزم‌های منجر به کنترل قدرت این نهاد از سوی دیگر در قانون اساسی می‌پردازیم. این دو سطح از مطالعه در فصل پنجم با مراجعه به اصول قانون اساسی تعقیب می‌شود.

در پایان این مقدمه باید توضیح دهیم سازمان صوری این تحقیق بدین گونه است که ذیل هر «فصل»، «بخش»‌هایی تعریف شده است که خود «پاره»‌هایی را شامل می‌شوند. بیشتر بخش‌ها حایز فرازهایی است که مباحث هر بخش را دسته‌بندی و ارائه کرده است.